

نگاهی به زندگی عبدالله یوسف علی و ترجمه او از قرآن کریم*
نوشته: عبدالله عبدالرحمان الخطیب | ترجمه: سعید زعفرانی زاده

مقدمه

در این تحقیق به بررسی ترجمه عبدالله یوسف علی، مشهورترین ترجمه قرآن کریم به زبان انگلیسی می پردازیم که بیشترین رقم انتشار را داشته است. این تحقیق، جنبه های مهم زندگی وی را که تأثیر مستقیم بر ترجمه او داشته است بیان می کند و به توصیف ترجمه وی با تمرکز بر برخی اشتباهات اعتقادی رخ داده در آن می پردازد؛ اشتباهاتی که به سبب آنها مُجَمَّع چاپ مصحف شریف ملک فهد در مدینه منوره ترجمه هلالی و خان رابا آن جایگزین کرد و شورای علمای آفریقای جنوبی به توضیح این اشتباهات اقدام نمود و نگاشته های علمی بسیاری به نقد این ترجمه از جوانب مختلف پرداختند.

ترجمه عبدالله یوسف علی بر بسیاری از ترجمه های پس از خود و نیز بسیاری از تألیفات مربوط به علوم قرآنی و اسلام به زبان انگلیسی، تأثیر نهاد؛ از این رو به بررسی آن در این مطالعه می پردازیم. در این تحقیق، پس از مقدمه، به بررسی سه موضوع پرداخته شده است:

۱. گوشه هایی از زندگانی عبدالله یوسف علی
۲. مطالعه ترجمه وی از قرآن کریم
۳. تفسیر رمزی و اشاری یوسف علی از نعمتهای جاودانه بهشتی

نگاهی به زندگی عبدالله یوسف علی و ترجمه او از قرآن کریم ۷۳ □

۱-۱. تولد و خانواده



عبدالله یوسف علی در چهارم آوریل سال ۱۸۷۲ م در شهر سورات از توابع گجرات جنوبی در هند زاده شد. این شهر که به تولید پارچه شهرت دارد، در دوران حاکمیت بریتانیا بر هند، بخشی از ایالت بمبئی به شمار می‌آمد.^۱ وی در خانواده‌ای بازرگان که پیرو فرقه بُهره داوودی^۲، یکی از شعبه‌های فرقه اسماعیلیه بودند، دیده به جهان گشود.^۳ پدرش یوسف علی بخش که بجز وی پسر دیگری نیز داشت در سال ۱۸۹۱ م درگذشت.

۱-۲. مرحله آموزش ابتدایی و متوسطه

عبدالله در سنین ۸ و ۹ سالگی به تشویق پدرش به آموزش قرآن کریم پرداخت. پدرش وی را به آموزشگاه داوودیان بُهره در سورات نفرستاد بلکه مدرسه انجمن اسلام، یکی از مهم‌ترین مدارس بمبئی و حتی هند را برای وی برگزید. در این مدرسه شخصیت‌های مهمی نظیر محمد علی جناح تحصیل کرده بودند. ویژگی دیگر این مدرسه آن بود که دانش‌آموزان پیرو فرقه‌های مختلف اسلامی و غیراسلامی از سنی و بُهره داوودی تا بُهره سلیمانی و خوجه مسلمان را گرد هم آورده بود. عبدالله مدت زیادی در این مدرسه نماند و در سال ۱۸۸۲ م به مدرسه انجیلی ویلسون که وابسته به کلیسای آزاد اسکاتلند بود منتقل شد. این مدرسه تأثیر شگرفی در وی از نظر علاقه و اعجاب نسبت به انگلیسی‌ها بر جای گذارد. پس از آن

1. M. A. Sherif, *Searching for solace* (kuala Lumpur: Islamic Book Trust, 1994) p. 4

برای اطلاعات بیشتر درباره عبدالله یوسف علی ر.ک:

Abdur Raheem kidwai, *Bibliography of the Translation of the Meanings of the Glorious Qur'an into English: 1646-2002, A Critical Study* (Medina, King Fahd Printing Complex, 2007) pp. 5-7.

۲. برای اطلاعات فراتر درباره این فرقه ر.ک:

Mustafa Abdulhussein, *OUP Encyclopedia of the Modern Islamic World*, ed. John Esposito, 1995, p. 1-5.

و مقایسه کنید با:

Encyclopaedia of Islam, vol. 1, pp. 1254-1255.

3. M. A. Sherif, p. 4.

بلافاصله به دانشکده ویلسون وابسته به دانشگاه بمبئی پیوست که در آن دانشجویانی از ادیان مختلف تحصیل می‌کردند. در سال ۱۸۹۱ م با درجه عالی در رشته ادبیات کلاسیک فارغ‌التحصیل شد و به همراه هشت تن از هموطنان خود موفق به دریافت بورس تحصیل در انگلستان در رشته دلخواه خود گردید.^۱

۳-۱. مرحله تحصیل در دانشگاه کمبریج و تأثیر تحصیل در بریتانیا بر وی

عبدالله یوسف علی در سپتامبر سال ۱۸۹۱ م در عنفوان جوانی به بریتانیا رفت و در رشته حقوق در دانشکده سن جان کمبریج به تحصیل پرداخت و در سال ۱۸۹۵ م فارغ‌التحصیل شد. پس از آن برای خدمت در اداره خدمات شهری که در آن زمان بر هند حاکم بود، در آزمون شرکت کرد و با کسب رتبه عالی توانست مجوز اشتغال در دفتر [نمایندگی] بریتانیا در ایالت اگره و Oudh (اوده) در شمال غرب هند را به دست آورد و به این ترتیب در سال ۱۸۹۵ م به هند بازگشت.

تحصیل در بریتانیا بر شخصیت علمی یوسف علی تأثیر ویژه‌ای نهاد و زمینه را برای ترجمه قرآن توسط وی فراهم ساخت؛ چرا که زبان انگلیسی و نیز فلسفه غرب را آموخته بود. شماری از رهبران معاصر هند نظیر محمد اقبال لاهوری، محمد علی جوهر و محمد علی جناح نیز مانند وی در بریتانیا تحصیل کرده بودند.

وی در سن ۲۳ سالگی به عنوان دستیار قاضی و نیز مأمور مالیات در ایالت سهارانپور هند مشغول به کار شد. پس از دو سال به بریلی که در نزدیکی علیگره قرار داشت منتقل شد. در این ایالت دانشکده محمدیه بریتانیای شرقی واقع شده بود که تحت ریاست جیمز مستون اسکاتلندی اداره می‌شد؛ فردی که بعدها وزیر مالیه و پس از آن رئیس ایالات متحده هند شد. نزدیکی به این دانشکده موجب ارتباط عبدالله با سید احمدخان (متوفی ۱۸۹۸ م) شد. در سال ۱۹۰۰ م نخستین مقاله وی با عنوان «تولید ابریشم در شمال غربی هند در اوده» به چاپ رسید. از آنجا که به کارمندان اداره خدمات شهری این اجازه را می‌دادند که به بریتانیا بازگردند و مدت شش سال یا یک چهارم مدت خدمت در هند را در این کشور بگذرانند، عبدالله یوسف علی در سال ۱۹۰۰ م به بریتانیا بازگشت.^۲

1. Ibid, p. 4.

2. Ibid, p. 20.

نگاهی به زندگی عبدالله یوسف علی و ترجمه او از قرآن کریم ۷۵ □

۱-۴. ازدواج و فرزندان

عبدالله در سال ۱۹۰۰ م در سن ۲۷ سالگی با دختری انگلیسی به نام ترزا ماری شولدرز ازدواج کرد. حاصل این ازدواج سه پسر به نامهای: ادیس، اصغر بلوی و البان حیدر و یک دختر به نام لیلا ترزا بود. عبدالله در شغل خود ارتقا یافت و در سال ۱۹۰۴ م به رتبه معاون نماینده دولت رسید. همسر وی از او درخواست کرد که در بریتانیا بماند و به او در تربیت فرزندان کمک کند، اما روابط عمومی وی و نیز اوضاع کشورش او را از اهتمام به امور خانواده بازمی داشت، به گونه ای که در سال ۱۹۱۱ م پس از آنکه همسرش را به خیانت متهم کرد او را طلاق داد.^۱ این حادثه بر زندگی وی تأثیر نهاد به گونه ای که در مقدمه ترجمه خود به آن اشاره کرده و می گوید: «حیات انسان در معرض طوفانهای معنوی و درونی است که ویرانیهای افزون تر از طوفانهای حقیقی در عالم مادی بر جای می نهد. این طوفانها که در حالتی از رنج شخصی دردناک وزیدن گرفت، می رفت که عاقلم را زایل کند و زندگانی را برایم بی معنا سازد».^۲

فرزندان وی نیز به او وفادار نبودند و همواره به آزار و اذیت او می پرداختند تا آنجا که وی بر آن شد که در سال ۱۹۴۰ م طی وصیتی آنان را از ارث محروم کند.^۳

۱-۵. آغاز فعالیت‌های علمی و فکری

عبدالله پس از طلاق همسرش در سال ۱۹۱۲ م به عنوان قاضی ایالت فاتح پور منصوب شد. وی در این زمان چهل سال داشت. در این دوره، دانش خود را در سیاست و روابط اسلامی میان هند و بریتانیا، نمایان ساخت و نخستین سخنرانی خود را در جمعیت سلطنتی هنر در لندن با عنوان «گذشته، حال و آینده مسلمانان هند» ارائه کرد. قدرت علمی و توانایی وی در زبان انگلیسی، بریتانیایی‌ها را به اعجاب واداشت. لُرد آمتل که ریاست این جلسه را بر عهده داشت تحسین خود نسبت به عبدالله یوسف علی را ابراز داشت و عبدالله در پاسخ وی

1. Ibid, pp. 28-29.

۲. اما آنچه سلیمان محمد برکات بیان کرده مبنی بر اینکه علت اندوه وی از دست دادن یگانه پسرش بوده دقیق نیست چه آنکه یوسف علی از فرزندانش بسیار در رنج بود. برکات همچنین اشاره کرده که عبدالله یوسف علی شیخ به معنای دینی آن بود اما چنانکه از زندگانی وی مشهود است این انتساب صحیح نیست. ر.ک: سلیمان محمد برکات، «الترجمات الانجلیزیه للقرآن الکریم»، مجلة الازهر، ش ۵۵، ۱۹۸۲، ص ۶۸۲.

3. M. A. Sherif, *Searching for Solace*, p. 29.

گفت: «هیچ عامل دینی یا تاریخی مانع آن نمی‌شود که مسلمانان هند جایگاه شایسته خود را در امپراتوری بریتانیا به دست آورند».

یوسف علی به تحصیل زنان دعوت می‌کرد و توضیح می‌داد که اوضاع زنان در هند بدتر از وضع همجنسان آنها در ترکیه، سوریه، مصر و الجزایر است. وی همچنین در باب وقف در اسلام سخن می‌گفت.^۱

وی برای انجام شش سخنرانی به مؤسسه باسمور ادواردز دعوت شد که این سخنرانیها بعدها در سال ۱۹۰۷ م در کتابی با عنوان حیات و اعمال مردم هند در لندن به چاپ رسید. وی در این کتاب عنوان کرده که هند به تمام معنا عقب مانده است و اسلام حقیقی جز در برخی مظاهر مانند عزاداری برای امام حسین (ع) در ماه محرم، در آن جایی ندارد. او به نوسازی اجتماعی هند دعوت کرد و از جمله مهم‌ترین مطالباتش این بود که سیاست در اختلافات دینی موجود در هند مورد استفاده قرار نگیرد، و همین امر باعث حمایت وی از بریتانیایی‌ها بود. عبدالله معتقد بود که اقلیت مسلمانان در هند در صورتی به جایگاه خود می‌رسد که تعلیم و تربیت عرفی گردد. عبدالله یوسف علی همه پیش‌نیازهای لازم را برای نوشتن درباره هند و نمایندگی بریتانیایی‌ها داشت، از جمله اینکه:

۱. در هند زاده شد و همانجا رشد یافت.

۲. در مؤسسه‌ها و نهادهای بریتانیا در هند شاغل بود که باعث درک دیدگاه بریتانیایی‌ها و نمایندگی او می‌شد.

۳- در بریتانیا (دانشگاه کمبریج) تحصیل و با یک زن انگلیسی ازدواج کرد که باعث آن می‌شد که به طریقه‌ای علمی که غربیها بفهمند و شرقیها رد نکنند، بنویسد.

انگلیسی‌ها یوسف علی را نماینده مسلمانان در هند و یکی از باهوش‌ترین مردان این کشور می‌دانستند. وی در این دوره عضو جمعیت سلطنتی هنر و جمعیت پادشاهی ادبیات بود.^۲

1. Ibid, p. 23.

2. Ibid, pp. 24-6.

نگاهی به زندگی عبدالله یوسف علی و ترجمه او از قرآن کریم □ ۷۷

۱-۶. خروج از سمتهای رسمی و موضع وی در جنگ جهانی اول

یوسف علی در سال ۱۹۱۴ م از فعالیت در هند استعفا داد و به بریتانیا بازگشت.^۱ در همین سال جنگ جهانی اول شروع شد و وی در این جنگ از امپراتوری بریتانیا در برابر عثمانیها دفاع کرد. وزارت خارجه بریتانیا در این زمان او را مأمور کرد تا چند سخنرانی درباره اوضاع هند تحت حاکمیت بریتانیا در کپنهاگ انجام دهد.^۲ حمایت وی از متحدین در جنگ جهانی اول نشأت گرفته از فلسفه او بود مبنی بر اینکه پیروزی آنان باعث پایان یافتن دوران امپریالیسم، حکومت استبدادی نظامیان و تبعیض نژادی می شود؛ اموری که هیچ یک محقق نشد. در مقابل، وی از موضع بریتانیا در خصوص جهان اسلام و به ویژه حمایت این کشور از یهودیان و صدور اعلامیه بالفور شگفت زده شد.

انتخاب یوسف علی به عنوان نماینده بریتانیا در کنفرانس پاریس نخستین مأموریت رسمی سطح بالای او بود؛ مأموریتی که فرصت دیدار با دیپلمات هایی از نقاط مختلف جهان را برای وی فراهم آورد. حمایت گسترده وی از پرچم بریتانیا و سبک زندگی انگلیسی و انتخاب وی به عنوان نماینده هند از سوی انگلیس در جامعه ملل در سال ۱۹۲۸ م دلیل روشنی بر وابستگی او به بریتانیا و اعتماد انگلیسی ها به او بود.^۳ آنان نیز در مقابل، به جبران این حمایت در سال ۱۹۱۷ م نشان نظامی فرمانده کل در امپراتوری بریتانیا (CBE) را به او اعطا کردند.^۴ وی همچنین در فاصله سالهای ۱۹۱۷ تا ۱۹۱۹ م در مدرسه مطالعات شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن (SOAS) به تدریس زبان و ادبیات هند پرداخت.

۱-۷. درگذشت

عبدالله یوسف علی در سال ۱۹۵۳ م در سال ۸۱ سالگی در یکی از بیمارستانهای لندن درگذشت. وی در زندگی خود به چهار اصل پایبند بود:

۱. حمایت از استقلال [هند]

۲. وطن دوستی

1. Ibid, p. 31.

2. Ibid, p. 33, 52-55.

3. Ibid, p. 89.

4. Ibid, p. 45.

۳. برادری با همسایگان

۴. صداقت با خویشان

یوسف علی همواره در میان دو اشتیاق می‌زیست؛ یکی علاقه به امپراتوری بریتانیا و دیگری تلاش برای استقلال مسلمانان هند. وی زندگی خانوادگی آشفته و دردناکی داشت و در هر دو ازدواج خود شکست خورد. اقدام او به ترجمه قرآن راهی برای رهایی از نگرانیهایش بود.^۱

وی برخلاف اقبال لاهوری و پیروانش نظیر ابوالاعلی مودودی، معتقد بود که اسلام به انسان و زندگی شخصی او می‌پردازد، در حالی که اقبال بر آن بود که اسلام راه کامل زندگی است و فرد باید فعال و مبارز باشد. البته به رغم تفاوت‌های موجود میان آن دو، هر دو به دنبال مصالح آینده امت اسلامی بودند و این که هر دو در دانشکده اسلامی فعالیت می‌کردند دلیل روشنی بر توجه ویژه آنان به تعلیم و تربیت بود. زندگانی عبدالله یوسف علی با آرزوهایی بزرگ آغاز شد و با موفقیت‌های چشمگیری همراه بود، اما به شکل فاجعه‌آمیزی پایان یافت؛ گویی زندگی او آینه‌ای از تاریخ هند تحت سلطه بریتانیاست.^۲

۲- مطالعه و بررسی ترجمه قرآن عبدالله یوسف علی

چنان که گذشت، ترجمه یوسف علی یکی از مشهورترین و پرتیراژترین ترجمه‌های قرآن در جهان انگلیسی‌زبان است و تاکنون بارها در نقاط مختلف جهان نظیر هند، آمریکا، انگلستان، مکه، ریاض و بیروت به طبع رسیده و در حال حاضر در شبکه جهانی (اینترنت) قابل دسترسی است. یوسف علی زبان انگلیسی را خوب می‌دانست، چرا که این زبان را از سنین پایین آموخته و بعدها در بریتانیا تحصیلات خود را در این رشته ادامه داده بود، اما در زبان عربی چیره‌دست نبود و بدین سبب در ترجمه خود دچار اشتباهات زبانی بسیاری شده

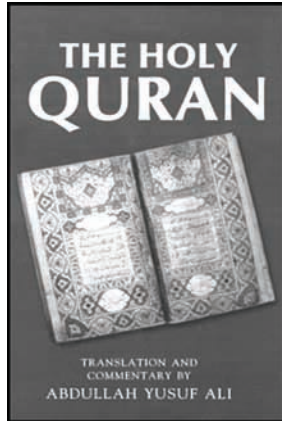
1. Mofakhar Hussain Khan, "English Translation of the Holy Qur'an: A Bio-Bibliographic Study" *Islamic Quarterly*, 30(2), 1986, London, p. 95; see also M. A. Sherif, *Searhing for Solace*, p.47.

۲. برای اطلاعات بیشتر درباره شمار ترجمه‌ها و زمان و محل انتشار آنها ر.ک:

Ismat Binark and Halet Eren, *World Bibliography of Translations of the Meanings of the Holy Quran: Printed Translations 1515-1980* (Istanbul: Renkler Matbaasi, 1406/1986), Research Centre for Islamic History, Art and Culture, pp. 65-72.

نگاهی به زندگی عبدالله یوسف علی و ترجمه او از قرآن کریم ۷۹ □

است. همچنین با توجه به عدم علم‌آموزی در نزد علما، در ورطه برخی اشتباهات فقهی و کلامی افتاده است.



۱-۲. تاریخ انتشار ترجمه

فعالیت یوسف علی برای ترجمه قرآن کریم با علاقه وی به کتابها و گردآوری منابع در کتابخانه شخصی‌اش آغاز شد. فعالیت گسترده او در حوزه زبان انگلیسی و فعالیت به عنوان مدیر مدرسه اسلامی لاهور، سفرهای وی به شرق و غرب عالم و ریاست چندین کنفرانس و مؤسسه تعلیم و تربیت، خصوصیتی تربیتی را در وی نهادینه ساخت که زمینه را برای ترجمه قرآن کریم فراهم

می‌کرد. وی از سال ۱۹۲۵ م تا سال ۱۹۳۷ م ریاست دانشکده اسلامی لاهور را بر عهده داشت و در این دوره برای آغاز به کار ترجمه قرآن و چاپ آن فرصت یافت. لاهور در این مقطع مرکز حضور دانشمندانی نظیر محمد اقبال لاهوری و ظفر علی خان بود.^۱ کار این ترجمه از دهه ۱۹۲۰ م آغاز شد و در نهایت در فاصله سالهای ۱۹۳۴ م تا ۱۹۳۷ م در لاهور منتشر شد. خود وی می‌گوید: پس از گذشت سه سال، از کار ترجمه سی جزء قرآن کریم فراغت یافتیم. وی در مقدمه ترجمه خود ذکر کرده که در همه سفرهای خود این ترجمه را به همراه برده و چونان گنجی پنهان از آن حفاظت کرده است.

وی در چاپ نخست، این ترجمه را چنین نامگذاری کرد:

The Holy Quran: An Interpretation in English, with Arabic Text in Parallel Columns, Running Commentary in English and Full Explanatory Notes.

اما در چاپ سوم در دو جلد با نامی که تاکنون بدان مشهور است منتشر شد؛ یعنی:

The Holy Quran: Text, Translation and Commentary^۲

1. M. A. Sherif, pp. 79-80.

2. Ibid, pp. 224-225.

۲-۲. محتوای ترجمه

ترجمه یوسف علی شامل این بخشهاست:

۱. مقدمه چاپ نخست سال ۱۹۳۴ م که در آن زمینه‌های اقدام به این ترجمه و دشواریهایی که مترجم با آنها روبه‌رو بوده و منابع مورد استفاده ذکر شده است.
۲. مقدمه چاپ سوم سال ۱۹۳۸ م
۳. مقدمه‌ای درباره تفاسیر قرآن کریم
۴. ترجمه‌های قرآن کریم
۵. منابع اصلی در ترجمه
۶. فهرستی درباره سیستم ترجمه
۷. فهرست علائم اختصاری به کار رفته در متن
۸. علامتهای شماره‌گذاری
۹. سوگندهای قرآن و ترجمه آنها
۱۰. فهرست مطالب
۱۱. مقدمه‌ای منظوم درباره این موضوعات:
الف) هدف از خلقت انسان ب) نور وحی ج) آوای توحید د) بعثت پیامبر اکرم (ص)
ه) صحابه نخستین و) مأموریت و رسالت پیامبر اکرم (ص) ز) قرآن کریم
این توضیحات به شکل شعر موزون و مرسل در آغاز هر سوره ادامه می‌یابد که شمار آنها به ۳۰۰ مورد می‌رسد. یوسف علی درباره این توضیحات گفته است که خواننده ترجمه آنها را مرتبط با هم می‌یابد که نگاهی کلی درباره قرآن به او می‌دهد.
۱۲. متن ترجمه با ۶۳۱۰ حاشیه
۱۳. چهارده پیوست و مقدمه‌ای بر هر سوره
۱۴. خاتمه: که آن را در ۱۴ نوامبر ۱۹۳۷ م در لندن نگاشته و توضیح داده که این ترجمه را در سن ۶۵ سالگی در چهارم آوریل ۱۹۳۷ م به پایان رسانده است.^۱
شماره صفحات این ترجمه ۱۸۶۲ صفحه است.

1. A. Yusuf Ali, *The Holy Qur'an - Tet, Translation and Commetary* (New York: Tahrike Tarsile Qur'an, Inc, 1987)

نگاهی به زندگی عبدالله یوسف علی و ترجمه او از قرآن کریم □ ۸

هنگامی که مؤسسه امانت در آمریکا و مجمع طبع مصحف ملک فهد در سال ۱۹۹۰ م در مدینه اقدام به چاپ این ترجمه کردند پیوسته‌های آن را حذف کردند، به ویژه بخشهایی را که مربوط به بحث بهشت نزد مسلمانان و معانی مجازی داستان یوسف (ع) می‌شد. همچنین برخی از واژه‌های به کار رفته توسط وی را تغییر دادند، مثلاً واژه God را به Allah تبدیل کرده و واژه Messenger را جایگزین Apostle کردند.^۱

۲-۳. روش ترجمه

ترجمه عبدالله یوسف علی از انواع ترجمه معنانشناختی (Semantic Translation) است.^۲ می‌توانیم این ترجمه را طبق تعریف نایدا (Nida) و ریبورن (Reyburn) از انواع Formal Overloading بنامیم.

از جمله ویژگیهای این نوع ترجمه استفاده فراوان از واژه‌های مهجور در زبان مقصد است و تلاش بسیاری برای حفظ چهارچوب زبان مبدأ دارد و بیش از آنکه به فهم خواننده توجه داشته باشد، به اصالت پیام مؤلف توجه دارد و به میزان ترجمه ارتباطی (Communicative Translation) به خواننده در فهم پیام یاری نمی‌رساند.^۳

یوسف علی به ترجمه کلمه به کلمه آیات پرداخته و برای توضیح مفهوم متن، حاشیه‌های فراوانی بدان افزوده است. در ترجمه یوسف علی، نوعی رمانتیسیم و شاعرانه‌گویی جریان دارد و تلاش می‌کند در حد ممکن متن را با روش موزون و دلپذیر ارائه دهد و از روش شعر مرسل به ویژه در سرآغاز سوره‌ها بهره گیرد.

1. M. A. Sherif, pp. 227-228.

۲. عبدالصاحب مهدی علی، معجم مصطلحات الترجمة التحريرية و الشفهية (الشارقة: جامعة الشارقة، ۲۰۰۲) ص ۱۳۴-۱۳۳.

3. Hussein Abdul-Raof, *Qur'an Translation, Discourse, Texture and Exegesis*, (Richmond, Surrey: 2001), p. 21.

ترجمه ارتباطی (Communicative Translation) ترجمه‌ای است که قرآن کریم را به زبان انگلیسی سلیس، واضح و معاصر برمی‌گرداند و متنی خالی از پیچیدگی و دشواری در چهارچوب زبان و فرهنگی مأنوس به خواننده ارائه می‌دهد. این ترجمه هدف اصلی را فهم مخاطب می‌داند و به دنبال ایجاد تأثیر مشابه متن بر خواننده زبان مقصد است. از جمله این ترجمه‌ها می‌توان به ترجمه‌های اکبر (۱۹۷۸م)، اروینگ (۱۹۸۵م)، ترنر (۱۹۹۷م) اشاره کرد. اکبر معتقد است که بیشتر ترجمه‌های قرآن معادلهایی نامفهوم و غیر واضح در برابر واژگان قرار می‌دهند که این امر شادابی و قدرت متن را از بین می‌برد. رک: منبع پیشین، ص ۲۱؛ و مقایسه کنید با عبدالصاحب مهدی علی، ص ۱۳۴-۱۳۳.

وی دربارهٔ روش ترجمهٔ خود می‌گوید: «خوانندهٔ عزیز! دوست دارم ترجمه‌ای انگلیسی از قرآن به تو ارائه دهم، اما نه ترجمه‌ای کلمه به کلمه، بلکه من بهترین مفهومی را که می‌توانم از متن عربی دریافت داشته باشم به تو ارائه می‌دهم و در ترجمهٔ خود وزن، موسیقی و نغمهٔ رفیع موجود در متن اصلی را انعکاس می‌دهم و هرچه در توان دارم برای به نمایش گذاشتن زیبایی و قدرت متن قرآن به کار می‌گیرم.»^۱ وی تلاش دارد تا معنای کلی آیه را که بر قاری تأثیری مثبت دارد به او عرضه کند^۲ چرا که هر چه فهم بیشتری از متن و معجزهٔ قرآنی کسب کند بصیرت روحانی‌اش فزونی می‌یابد.^۳

وی قرآن را نجات‌بخش خود از بحران روحی می‌داند و این نگاه را در تعبیر شاعرانهٔ خود در ترجمه و حواشی متجلی می‌سازد.^۴ تمرکز یوسف علی در این ترجمه بر جنبهٔ روحی اسلام و احیای اخلاقی آن است و این به افکار و آرمانهای وی در زندگانی باز می‌گردد. تجربهٔ وی در مقام مدیر مدرسه و کارمند رسمی و زندگی خانوادگی پریشان او در ترجمه‌اش نمود یافته است.

دربارهٔ واژه‌های مورد استفادهٔ وی در این ترجمه باید گفت که او واژگانی شاعرانه و نیز برخی کلمات را که در انگلیسی امروز کاربرد ندارد نظیر *thou, ye* به کار گرفته و در استفاده از واژه‌هایی که با حروف بزرگ آغاز می‌شود افراط کرده است. هنگامی که خواننده این ترجمهٔ شاعرانه را می‌خواند احساس می‌کند که متنی مهجور و قدیمی را در دست دارد^۵ که این یکی از نقاط ضعف ترجمهٔ معناشناختی است.

۲-۴. ترتیب متن ترجمه

عبدالله یوسف علی آیات قرآن را مقابل متن ترجمه قرار داده و حاشیه‌هایی توضیحی بر

1. A. Yusuf Ali, *the Holy Qur'an*, p. iv.

۲. برای اطلاع بیشتر از خطاهای ترجمهٔ یوسف علی ر.ک:

Salah Salim Ali, "Misrepresentation of Some Elipted Structures in Tranlation of the Qur'an by A.Y. Ali and M.M. Pickthall", *Hamdard Islamicus*, xvii, Winter 1994, no. 4, pp. 27-33.

3. A. Yusuf Ali, p.iv.

4. Muzaffar Iqbal, "Abdallah Yusuf Ali and Muhammad Asad: TWO Approches to the English Translation of the Qur'an", *Journal of Qur'anic Studies*, 2:1 (2002), p. 111.

5. Ibid, p. 115.

نگاهی به زندگی عبدالله یوسف علی و ترجمه او از قرآن کریم □ ۸۳

متن افزوده است. متن قرآن به خط پیرعبدالحمید است و از شماره‌گذاری مصحف فاروق مصر تبعیت کرده است. وی ترجمه خود را به تقسیم‌بندی‌های مشهور قرآن نظیر جزء، بخش‌بندی کرده و هر سوره را تقسیم‌بندی معنایی کرده که نزد علما به رکوع معروف است، و هر رکوع را با رمز «ع» مشخص کرده و بالای آن شماره هر رکوع، در وسط آن شماره آیات آن رکوع و در بخش پایین تعداد رکوعات گذشته آن جزء را آورده است. وی هر رکوعی را نیز براساس معنا به چند بخش تقسیم کرده است.

۲-۵. منابع مورد استفاده در ترجمه و چگونگی تعامل مترجم با آنها

منابع مورد استفاده در این ترجمه را می‌توان به چند بخش تقسیم کرد:

۱. تفاسیر قدیم و جدید به زبانهای عربی، اردو، فارسی و نیز کتب علوم قرآن.
 ۲. ترجمه‌های پیشین قرآن به زبان انگلیسی نظیر ترجمه جرج سیل، رادول، حافظ غلام سرور، مولی محمدعلی، محمد مارمادوک پیکتال و دیگر ترجمه‌های انجام شده.
 ۳. فرهنگهای عربی، انگلیسی^۱ و فارسی و کتابهای سیره، تاریخ، حدیث و آثار مستشرقان و نیز دایرةالمعارف بریتانیکا و دایرةالمعارف اسلام.
 ۴. قرآن کریم که به نظر یوسف علی بهترین مفسر برای خود است.
 ۵. تورات و انجیل که از آنها بسیار بهره برده است.^۲
- وی یک صفحه کامل از ترجمه خود را به ذکر منابع مهمی که مورد استفاده قرار داده مانند: فرهنگ لغات و دایرةالمعارف‌ها اختصاص داده است.^۳

نحوه تعامل یوسف علی با منابع

۱. وی کتب تفسیر کهن را منبع اصلی کار خود قرار نداده است؛ چراکه این تفاسیر حاوی آرا و نظریات مختلف براساس مکاتب تفسیری و مذاهب مفسران است. وی از این تفاسیر، معنایی را که غالب مفسران پذیرفته‌اند انتخاب کرده است.
۲. هنگام اختلاف میان آراء تفسیری، وی نظر برگزیده و نزدیک‌تر به خرد را انتخاب

۱. از جمله فرهنگهای مهم انگلیسی که وی مورد استفاده قرار داده این مورد است:

John Penrice, *Dictionary and Glossary of the Kor'an* (Richmond) Surrey Curzon Press, 1993).

2. Arthur Jeffery, "Yusuf Alis's Translation of the Qur'an" *Muslim World* 30 (1940), 60-62

3. A. Yusuf Ali, pp. xii-xiii, xvii.

می‌کند و هنگامی که اختلاف ریشه‌ای باشد آن را در حاشیه توضیح می‌دهد.
 ۳. هنگامی که برای حفظ روح متن آن را عیناً ترجمه نکنند، در حاشیه به این مسئله اشاره می‌کند و ترجمه حرف به حرف آیه را می‌آورد.^۱ با اینکه وی ادعا کرده است که از میان آراء مفسران نظری را برگزیده و نظر شخصی خود را دخالت نداده، همواره به نظر مفسران پایبند بوده و در مواردی برای هماهنگی با معنای جدیدی که می‌فهمیده نظریات مفسران را رد کرده است.

۴. برای دریافت معانی کلمات، اتکای بسیاری به فرهنگ‌های لغت کهن دارد.

۵. در نقل روایات، از کتابهای حدیثی جدید بهره برده است.

۶. هنگامی که معنای آیه‌ای جز با دانستن چهارچوب تاریخی آن میسر نیست، سبب نزول آیه را ذکر می‌کند اما در این امر زیاده‌روی نمی‌کند؛ چرا که معتقد است ملاک، عموم لفظ است نه خصوص سبب. او به دنبال ارائه معنایی است که قرآن در زمان ما بدان رهنمون می‌شود.^۲

۲-۶. مقدمه سوره‌ها

وی برای هر سوره مقدمه‌ای سامان داده که در آن مضمون سوره را شرح داده و خواننده را در فهم حوادث ذکر شده در سوره یاری می‌دهد. هنگامی که سوره طولانی باشد، محتوای آن را در چند مقطع شرح می‌دهد و اگر سوره کوتاه باشد محتوای آن را در قطعه‌ای کوتاه بیان می‌کند و هر دو حالت را با شعر مرسل ادامه می‌دهد.

۲-۷. حواشی و تعلیقه‌ها

این ترجمه دارای حواشی بسیاری است که بالغ بر ۶۳۱۱ مورد می‌شود و این اهداف را دنبال می‌کند:

۱. ارائه رهیافتی دقیق از آیه برای عموم خوانندگان انگلیسی‌زبان و دانشمندان.
۲. حتی الامکان دوری از بحثهای پردامنه عقیدتی؛ چرا که این مباحث کتابهای خاص خود را دارد و ذکر آنها در ترجمه قرآن باعث دوری خواننده از فهم متن می‌گردد.
۳. ذکر مباحث اجمالی مربوط به احکام و اصول آن بدون تفصیل؛ چرا که تفصیل آن را

1. Ibid, p. v.

2. Ibid, pp. v, xi-xii.

کتاب شریعت محمدی به زبان انگلیسی ارائه کرده است.

۴. عدم افراط در مباحث نحوی و لغوی.

۵. اشاره گذرا به مباحث اسباب نزول آیات.^۱

۲-۸. امور بنیادین تأثیرگذار در ترجمه عبدالله یوسف علی

۲-۸-۱. زندگانی و تجربه شخصی وی

عبدالله یوسف علی علاقه ویژه‌ای به بریتانیا داشت و چنان که گذشت، در موضوع حکومت عثمانی طرفدار موضع انگلیسی‌ها بود. بخشی از زندگانی وی مصروف آشوب خانوادگی و نزاع با همسر اولش شد که منجر به طلاق او در سال ۱۹۱۱ م گردید و در سال ۱۹۲۰ م مجدداً ازدواج کرد. فرزندان او از همسر اول وی را رها کردند و تحت فشار این مشکلات، احساسات دینی وی بیدار شد و تعالیم قرآن کریم را عاملی برای تسلای خاطر و آرامش خود در آن شرایط بحرانی یافت. وی به دورانی که مشغول ترجمه قرآن بود، یعنی بین سالهای ۱۹۲۵ تا ۱۹۳۳ م هیچ اشاره‌ای نمی‌کند.^۲

یوسف علی تجربه‌های ناگواری در زندگانی داشته و قرآن را نجات دهنده خود در اوقات شدت و ناراحتی یافته است. این امر به طور آشکار و صریح یا غیر آشکار در ترجمه او نمود یافته است.

برای نمونه در سخن از فرزندان می‌گوید: «اختلاف آنان با تو باعث آشفتگی روحی تو می‌شود اما در همین خلال میزان اخلاص خود برای خداوند متعال را درمی‌یابی». وی در میان تعلیقات خود این پرسش را مطرح می‌کند که «اگر آخرت وجود نداشته باشد داوری درباره بی‌عدالتی‌های دنیا چگونه صورت می‌پذیرد؟» این پرسش ریشه در رنجهای او دارد. می‌پرسد: «زیبایی و شجاعت دیشب کجاست؟ آنچه باقی می‌ماند همه غبار و خاکستراست؟ ما از جهان مادی چه حاصل داریم؟» و در این باب به کلام شاعر انگلیسی Longfellow استشهد می‌کند که می‌گوید، دنیا سراسر صحنه نمایشی است برای فریب انسان. وی در خلال ترجمه سوره یوسف و حوادث رخ داده میان یوسف و زلیخا از ملکه‌ای سخن می‌گوید که همه چیز را با درد و خواری آموخت. او مسائل رخ داده میان خود و ماری ترزا را نظیر

1. Ibid, p. v.

2. M. A. Sherif, p.174.

حوادث رخ داده برای زلیخا می‌داند که آموخت عشق جسمانی، عشقی غرورآمیز است.^۱

۲-۸-۲. تأثیر آموخته‌های یوسف علی در غرب و تجربه علمی و تربیتی او بر ترجمه‌اش از

قرآن

عبدالله یوسف علی بلافاصله پس از فراغت از تحصیل، در سخنرانیهای خود علاقه‌اش به فرهنگ و تمدن یونانی را اعلام کرد. وی در سال ۱۹۴۱ م - یعنی پس از پایان ترجمه قرآن - در مقاله‌ای به ستایش تمدن و معماری یونانی پرداخت. با توجه به آگاهی وی از تمدن یونان او در خلال ترجمه قرآن به داستان ذوالقرنین پرداخته و با تطبیق وی بر اسکندر مقدونی، عالم غیب را با اندیشه یونانی تفسیر کرده و می‌گوید: هر آیه‌ای نشانه امری رمزی است و به طور مستقیم بر واقعیت انطباق دارد. آن، چیزی ابدی و مستقل از زمان و مکان است. این اندیشه افلاطون است. حکیم در خواهد یافت که قرآن جوهری دارد که بر آن لباس خارجی آراسته‌ای پوشانده شده است.^۲

همه جهان ظاهری نیز رمز و نشانه‌ای از چیز دیگری بوده و حقیقت در ورای این ظاهر است؛ نظیر نور واقعی پشت غار در نظریه افلاطون. این اشتغال فکری رمزنگارانه، یوسف علی را بر آن داشته که در قرآن نیز به دنبال رمزها و نشانه‌ها باشد. به نظر او ماه نشانه علم دنیوی و خورشید رمزی صوفیانه از هوشیاری است. در قرآن کریم به فراوانی از آب و نور سخن رفته و حروف مقطعه نیز در آن به کار برده شده است. از این رو، وجه غالب در روش ترجمه یوسف علی طریقه رمزی است. برای نمونه، وی حالات مختلف نماز را به حالات اندیشه و اقدامات انسان در زندگانی تأویل کرده و حرکت‌های نماز را تغییرات و تحولاتی دانسته که روح از خلال آنها مورد آزمایش قرار می‌گیرد؛ همچنان که جسم نیز با رکوع و سجده و جلوس آزمایش می‌شود. در بخش چهارم نیز به دریافت خود از بهشت پرداخته است. ما بعداً نشان خواهیم داد که چگونه یوسف علی نعمتهای حسی و جسمانی را به عوالم معنوی و روحانی تأویل می‌کند.

عبدالله یوسف علی در ترجمه خود خواننده را به تأمل در کتاب تکوین که خداوند قادر نیرومند آفریده است فرا می‌خواند. در هر چیزی، نشانه‌ای از قدرت خدا وجود دارد. هیچ

1. Ibid, p. 174.

2. Ibid, p. 175.

نگاهی به زندگی عبدالله یوسف علی و ترجمه او از قرآن کریم □ ۸۷

چیز بیهوده‌ای در جهان وجود ندارد، بلکه هر آفریده‌ای از روی حکمت خلق شده است. از جمله مسائلی که وی در ترجمه خود به آن می‌پردازد این است که در قرآن علم لدنی سِرّی و صوفیانه‌ای وجود دارد که مختص علماست و عموم مردم بدان دسترسی ندارند. وی با این آراء خود به دنبال ارائه تفسیری از قرآن است که راهنمای سیر روحی انسان باشد. جست‌وجوی یوسف علی از علم لدنی و باطنی مختص به مطالعات قرآنی نیست و عدم اطمینان به توده مردم، فلسفه تربیتی و عقاید سیاسی او را شکل می‌دهد.^۱

۲-۸-۳. واکنش علما نسبت به ترجمه یوسف علی

عبدالله یوسف علی ترجمه‌ای معتدل از قرآن ارائه کرده که مانند آثار سید احمدخان با رد و اعتراض مواجه نشده و از آنجا که علما، انگلیسی را به خوبی نمی‌دانند به نقد این ترجمه نپرداخته‌اند، بلکه شماری از آنان نظیر سید سلیمان ندوی مدح و ستایش او گفته‌اند که راه را بر تشکیک‌کنندگان بسته است. البته برخی انتقادات به استفاده یوسف علی از منابع غیراصیل وارد شده که اخلاص وی در ترجمه و زیبایی آن، این خلأ را پر کرده است. پس از درگذشت یوسف علی ترجمه وی مورد نقدهای جدی زبانی، عقیدتی و فقهی قرار گرفته که به برخی از آنها اشاره می‌شود. آشنایی او با زبان عربی اندک است. او خود متذکر شده که پدرش قرآن و زبان عربی را به وی تعلیم داده و در خلال تحصیل در انگلستان درسهایی در زبان عربی داشته و در آن زمان ICS یعنی نمره بسیار خوب را کسب کرده است. وی ادعا کرده که اصالتاً عرب بوده و نسب به حجاج بن یوسف ثقفی می‌برد، و اگر چه نمی‌تواند به زبان عربی سخن بگوید اما توان قرائت و فهم متون عربی را دارد.^۲

عبدالله یوسف علی در دوره‌ای می‌زیست که بحث تعارض میان علم و دین رواج داشت و مسلمانان به ویژه در هند به دنبال افرادی بودند که به پرسشهای مطرح شده در این باره پاسخ دهند. وی با اطمینان کامل به این موضوع پرداخت و تصریح کرد که در اسلام چیزی متعارض با علم وجود ندارد و در علم نیز چیزی در تعارض با اسلام دیده نمی‌شود. در ترجمه او نیز شخصیتی را می‌یابیم که درصدد ایجاد توافق میان علم و دین و رابطه میان آنها بوده و معتقد

1. Ibid, pp. 173-174.

2. Ibid, p. 178-186.

است که علم، بر یگانگی و قدرت خدا تأکید دارد و راهی برای وصول به ایمان است.^۱ وی به ضرورت ترجمه‌ای امروزی از قرآن توجه داشته و در مقدمه ترجمه خود به استفاده از علم روز در ترجمه قرآن اشاره کرده است. البته تأکید بر مسائل علمی، وی را نظیر سید احمدخان به دام تفسیر علمی همه مطالب قرآن نظیر معجزات انبیا نیفکنده است. مثلاً سید احمدخان آتشی را که حضرت موسی (ع) در طور سینا دید آتشی واقعی دانسته که یک مسافر برافروخته اما یوسف علی آن را آتشی روحانی دانسته است.^۲ محمد مارمادوک پیکتال یکی از معاصران یوسف علی ترجمه وی را بهترین ترجمه مسلمانان هند از قرآن می‌داند.^۳

۳- عبدالله یوسف علی و تفسیر نمادین از نعمتهای ابدی بهشت

ترجمه یوسف علی مشتمل بر مسائلی است که با عقاید مشهور اسلامی در تعارض است. یکی از این مسائل، اعتقاد وی به معنوی و روحانی بودن نعمتهای بهشتی و منزّه بودن آن از جنبه‌های جسمانی و غرایز جنسی است. وی در خلال تعلیقات بر متن ترجمه و نیز در پیوست شماره ۱۱ به این موضوع تصریح کرده است. علت گرایش وی به این تأویل نمادین از نعمتهای حسی، دو موضوع است:

۱. کاستی و ضعف در فرهنگ دینی؛ چنان که از بررسی زندگانی او به دست می‌آید، چه آنکه وی علوم شرعی را از علما فرا نگرفته بود.
۲. تأثیرپذیری از فلسفه یونان و آراء افلاطون در تفسیر رمزآمیز متون. وی همچنین تحت تأثیر شماری از فلاسفه مسلمان نظیر ابن سینا قرار دارد که نعمت و عذاب آخروی را مختص روح می‌دانند نه جسم.

پیش از آنکه به بررسی نظریات یوسف علی بپردازیم، نظریات فلاسفه مسلمان و در رأس آنان ابن سینا و نیز علمای کلام و عقیده اسلامی را در این باره بررسی می‌کنیم. یکی از موضوعات مورد اختلاف میان فیلسوفان مسلمان و عالمان کلام اسلامی موضوع روحانی یا جسمانی بودن معاد است. فلاسفه اعتقاد دارند که معاد روحانی است نه جسمانی، و این به

1. Ibid, pp. 179.

2. Ibid, p. 180.

3. Mofakhar Hussain Khan, "English Translation of the Holy Qur'an: Bio-Bibliography", *Islamic Quarterly*, p.96 see also M.A. Sherif, p. 47.

نگاهی به زندگی عبدالله یوسف علی و ترجمه او از قرآن کریم □ ۸۹

نظریه آنان درباره انسان باز می‌گردد که انسان را در حقیقت روح می‌دانند و بُعد روحانی او را جاودانه می‌شمارند و جسم را زندان روح می‌دانند که مانند آن جاودانه نیست.^۱ یکی از مهم‌ترین فلاسفه که به این موضوع پرداخته ابوعلی سیناست که معتقد است معیار در سعادت و شقاوت، رهایی یافتن از بدن است، و روح با خلع بدن و خلاصی از آن طعم سعادت و کمال را می‌چشد.^۲

وی در رساله الاضحویة فی شأن المعاد تصریح می‌کند که رهایی روح از بدن زمانی است که این دو به طور کامل از هم جدا شوند و بازگشتی به یکدیگر نداشته باشند. وی معتقد است که نعمتها و شقاوت حسی جز از طریق شرع قابل اثبات نیست. اما نعمتها و شقاوت روحانی از راه عقل اثبات پذیر است. وی می‌گوید: «تمایل حکیمان الهی به سعادت روحانی بسیار بیشتر از رسیدن به سعادت مادی و بدنی است، بلکه آنان اصلاً بدان التفاتی ندارند و اگر بدان رسند آن را در کنار این سعادت که نزدیکی به حضرت حق است، بزرگ نشمارند».^۳

علمای کلام و عقاید اسلامی در این مسئله نظر فلاسفه را رد کرده‌اند؛ چرا که مخالف نصوص دینی است که به نعمت و عذاب جسمانی در آخرت تصریح دارند. یکی از مهم‌ترین این نقدها از آن غزالی است که در مسئله بیستم از کتاب تهافت الفلاسفة اشاره دارد به اینکه نمی‌توان این نصوص را تأویل کرد؛ چرا که آنها به حدی از کثرت و وضوح اند که قابل تأویل نیستند. غزالی پس از اثبات معاد جسمانی با ادله عقلی و نقلی می‌پرسد: چرا فلاسفه آن را بعید می‌شمارند؟ وی می‌افزاید: «چه مانعی برای جمع شدن دو سعادت روحانی و جسمانی وجود دارد»؟^۴

وی با اشاره به آیه ۱۷ سوره سجده پا را از این فراتر نهاده و فیلسوفانی را که معاد جسمانی و نعمت و عذاب حسی را نفی کرده‌اند، تکفیر می‌کند و می‌گوید: «این از آن روست که این

۱. محمد عبدالستار نصار، فی الفلسفة الاسلامیة قضایا و مناقشات (القاهرة: مكتبة الانجلو مصریة، ۱۹۸۲)، ج ۱، ص ۲۵۰.

۲. همان، ص ۲۵۱.

۳. حسین بن علی بن سینا، النجاة فی المنطق و الالهیات، تحقیق: عبدالرحمن عمیره، (بیروت: دارالجلیل، ۱۴۱۲ / ۱۹۹۲)، ج ۲، ص ۱۵۲.

۴. قس: محمد بن محمد غزالی، تهافت الفلاسفة، تحقیق علی بو ملحم (بیروت: دارالهلل، ۱۹۹۴)، ص ۲۳۷.

M. al Ghazali, *The Incoherence of the Philosophy, A Parallel English-Arabic Text*, tr. Michael E. Marmura (New York: Birgham Young University Press, 2000), p. 226.

نظر با اسلام سازگاری ندارد و به مثابه تکذیب انبیاست و این فلاسفه برای مصلحت‌سنجی و تفهیم مردمان، چنین نظری داده‌اند و این کفر آشکار است.^۱ پس از غزالی برخی دیگر نظیر ابن تیمیه نظر او را تأیید کرده‌اند.^۲

دیدگاه عبدالله یوسف علی درباره نعمتهای جسمانی در آخرت

در اینجا با ذکر مثالهایی از ترجمه یوسف علی به نظریه وی درباره نعمتهای بهشت و نمادین شمردن آن می‌پردازیم، با این تأکید که وی از آراء فلاسفه اسلامی گذشته متأثر بوده است. وی می‌گوید: آنچه مرا به نگارش پیوستی درباره مفهوم بهشت نزد مسلمانان، برانگیخت، پندار برخی جاهلان نسبت به اسلام است که می‌گویند اسلام به بهشتی حسی و شهوانی نوید می‌دهد، و بر این ادعای خود به شماری از متون مذهبی در وصف بهشت استناد کرده و آنها را تفسیر لفظی، ظاهری و مادی می‌کنند.^۳ اما واقعیت آن است که قرآن کریم از ابزار تخیل برای تعبیر از امور روحانی و غیر محسوس بهره برده تا آنها را وصف کند. وی مشکل اصلی در گفت‌وگو درباره بهشت را این می‌داند که بهشت در چهارچوب معیارهای زمان و مکان دنیوی نمی‌گنجد؛ چرا که خداوند متعال می‌فرماید: «فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ» (سجده، ۱۷) یعنی هیچ کس نمی‌داند که چه لذت روحانی برای او پنهان شده است. از این رو ما باید برای سخن گفتن از بهشت، از عباراتی که متضمن زمان و مکان است بهره‌گیریم و با زبان حسی از آن نعمتهای معنوی، رمزآمیز و مجازی سخن بگوییم تا دست‌کم رهیافتی هرچند ساده به آن جهان روحانی بیابیم. از این رو اگر این عبارات رمزآمیز را تفسیر مادی و ظاهری کنیم، از آن عالم روحانی فهم حقیقی نمی‌یابیم. قرآن کریم برای اشاره به حقایق روحانی به طور فراوان از مجاز و استعاره بهره می‌گیرد.^۴

یکی از واژه‌های حسی قرآنی که مجازاً برای اشاره به نعمتهای جاوید اخروی مورد

۱. غزالی، تهافت الفلاسفة، ص ۲۲۶.

۲. ر.ک. به این منابع: احمد بن عبدالحلیم بن تیمیه، بغیة المرتاد فی الرد علی المتفلسفة والقرامطة والباطنية و اهل اللحاد من القائلین بالحلول و الاتحاد، تحقیق موسی بن سلیمان الدویش (المدينة المنورة، مكتبة العلوم والحكم، ۱۴۲۲ / ۲۰۰۱)، ص ۳۳ - ۳۳۶؛ والرسل الصغیة، تحقیق محمد حسن اسماعیل (بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۰ / ۲۰۰۰)، ص ۴۰۳ و دره تعارض النقل و العقل، تحقیق محمد رشاد سالم، بی‌جا، ۱۹۷۹، ص ۱۴۶.

3. A. Yusuf Ali, p. 1464.

4. Ibid, p. 1467.

نگاهی به زندگی عبدالله یوسف علی و ترجمه او از قرآن کریم □ ۹۱

استفاده قرار گرفته، واژه جنّة (باغ) است؛ چرا که در دنیا باغ مشتمل بر لذایذ همه حواس پنج‌گانه است. چشم انسان به سبزه و رنگ گل‌های زیبا و نهرهای جاری در باغ می‌افتد و گوش، نغمه بلبلان و رودها و آبشارها را می‌شنود و بویایی، رایحه گلها را حس می‌کند و ذائقه از انواع میوه‌های موجود در باغ دنیوی بهره‌مند می‌شود. این امور که با حواس مادی قابل احساس است، تصور انسان از سعادت ابدی را تغذیه می‌کند. حال باید پرسید که این تعبیر حسی از بهشت نماد کدام یک از امور روحانی است؟ مردمان در بهشت چهار گروهند: پیامبران، صدیقین، شهدا و پرهیزگاران. و هر گروه به گفته قرآن، لذت روحانی خاص و شایسته خود را دارد. یوسف علی بر این نکته تأکید دارد که ما نمی‌توانیم اصطلاحات مجرد قرآن مانند «رضا» را درک کنیم، مگر اینکه از عبارات حسی و مادی مورد استفاده در زندگی روزمره بهره بگیریم. هنگامی که قرآن کریم از خوردن و آشامیدن و انواع غذاها و لباسهای زیبا سخن می‌گوید، همه اینها نمادی از نعمتها و اطمینان روحی شایسته آخرت است که در دنیا وجود ندارد.^۱ در اینجا برای بررسی مفصل نظر یوسف علی به تأویلات وی از حورالعین و خوردنیها و آشامیدنیهای بهشت می‌پردازیم.

۱- حورالعین در بهشت

یوسف علی مثال روشنی از استفاده قرآن از برخی الفاظ حسی برای اشاره به امور معنوی آورده و می‌گوید: «بهشت جایی برای استفاده از مسائل جنسی و شهوانی ندارد، برخلاف دنیا که این امور در آن دارای ارزش روانی و عقلی است. ابدأ نمی‌توان تصور وجود امور جنسی جسمانی را در تحقق عشق حقیقی کامل در بهشت داشت».^۲ وی معتقد است که تفسیر حورالعین به همسرانی که در بهشت از آنان کام گرفته می‌شود تفسیری خطاست؛ چرا که کلمه حور از نظر لغوی نه مذکر است و نه مؤنث و همراهی با حور با حفظ صفات معنوی و نه جسمانی آنها، هم برای مردان و هم برای زنان در بهشت میسر است. از این رو، وی کلمه «زَوْجَانَهُمْ» را که متعلق به حورالعین آماده شده برای مردان در بهشت است، در آیه «كَذَلِكَ وَ زَوْجَانَهُمْ يَحُورُّ عَيْنٍ» (دخان، ۵۴) به Shall Marry them ترجمه نکرده بلکه آن را به صورت Shall join them ترجمه کرده است، یعنی آنان را با حورالعین هم‌نشین می‌کنیم. وی

1. Ibid, p. 1467.

2. Ibid, pp. 1466-67.

همچنین کلمه «الحوار» را به Companions یعنی همراهان ترجمه کرده و نه wives یعنی همسران. بدین ترتیب ترجمه وی از آیه چنین است:^۱

We shall join them to companions with beautiful big and lustrous eyes

وی بر کلمه Companions تعلیق زده و متذکر شده است که دوستان، مناظر زیبا، لباسها و میوه‌ها جملگی زیبايند اما بايد اين واژه‌ها را نمادين فهميد چراکه اساساً در بهشت خوردن و آشامیدن و لباس و ازدواج حقیقی و هیچ امر جسمانی وجود ندارد و حیات آنجا منزّه از جسمانیت و غرایز دنیوی است و مردان و زنان هر دو از نعمتهای بهشت بهره می‌گیرند و هر نعمت رمزآمیزی که در قرآن یاد شده هم برای مردان و هم برای زنان است. اما کلمه حور دارای سه معناست که عبارتند از: ۱. پاکیزگی ۲. سیاهی یا سفیدی شدید در چشمان ۳. حق و اراده نیک. وی بر آن است که این کلمه هیچ گونه بار جنسی ندارد و مراد از آن همراهی و هم‌صحبتی پاکیزه است.^۲

در مقایسه با ترجمه هلالی و خان از آیه، می‌بینیم کلمات «زَوْجَانَهُمْ» و «حور» به شکل ظاهری ترجمه شده^۳ We shall marry them to hur اما یوسف علی با ترجمه تأویل‌آمیز آیه در توضیح آورده که این همراهی در نعمتهای ابدی میان انسان و دوست اوست که او نیز انسان است.^۴

یوسف علی در تعلیقه بر ترجمه آیه ۲۴ سوره طور «وَ يَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَّكْنُونٌ» آن را مجازی دانسته و تأکید می‌کند که در بهشت لذت جسمانی وجود ندارد و همچنان که کلمه حور معنای لطافت و مهربانی زن را با خود همراه دارد، «لُؤْلُؤٌ مَّكْنُونٌ» نیز نماد لیاقت، توانایی و شادابی جوانی است. وی همچنین در تعلیقه بر آیه ۳۵ سوره واقعه «إِنَّا أَنْشَأْنَاهُنَّ إِنثَاءً» و آیات پس از آن می‌نویسد: ضمیر در کلمه أَنْشَأْنَاهُنَّ به مؤنث باز می‌گردد، اما برای پرهیز از سیطره افکار جسمانی و جنسی در فهم آیه باید توضیح بدهیم که این همشنان در بهشت از نظر خلقت و نیز صفا و مهربانی و زیبایی و دوست داشتن دیگران و

1. Ibid, p. 1352.

2. Ibid, p. 1352.

3. M. Hilali and M. Khan, *Interpretation of the Meaning of the Noble Qur'an* (Riyadh, 2004), p. 986.

4. A. Yusuf Ali, p. 1435.

نگاهی به زندگی عبدالله یوسف علی و ترجمه او از قرآن کریم □ ۹۳

مهر دیگران به آنان موجودات ویژه‌ای هستند.^۱ مترجم این روش را در تأویل لذتهای جسمانی در بهشت و روحانی دانستن آنها، در سراسر ترجمه خود به کار می‌گیرد.

۲. خوردنیها و آشامیدنیهای بهشت مجازی است

۱. خوردنیهای بهشت

روش مترجم در ترجمه نعمتهای خوراکی و آشامیدنی بهشت نیز همان روش پیشین در معنوی دانستن آنهاست. وی در تعلیقه بر آیات ۷۰ تا ۷۳ سوره زخرف آورده است که بهشت رمز و نمادی از همه زیباییها برای چشم، عقل و روح است. اینها اموری است که ما در این دنیا توان تصور پراکنده و مغشوشی از آن داریم. استفاده قرآن کریم از این استعاره‌ها به سبب دشواری تصور نعمتهای جاویدان بهشتی برای ماست که در تار و پود زندگی گذرا و ناپایدار دنیا اسیریم.^۲

وی در تعلیقه بر آیه ۲۲ سوره طور «وَأَمْدَدْنَاهُمْ بِفَاكِهَةٍ وَ لَحْمٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ» می‌گوید: این آیه از نظر مجازی به جشن و شادی عقل و آزادی روح اشاره دارد، و در ضمن سخن از نعمتهای جاویدان اجتماعی در بهشت است، و گوشت و شراب نماد نعمتهای جاویدی است که برای همه اشخاص محقق می‌گردد. وی در توضیح آیه ۲۳ سوره طور «يَتَنَزَّعُونَ فِيهَا كَأْسًا لَا لَغْوٌ فِيهَا وَلَا تَأْتِيمٌ» می‌نویسد: «کأس» در نعمتهای جاویدان بهشتی نماد عشق خالص است که فرسنگها با عشق جنسی دون پایه فاصله دارد.

یوسف علی آیه ۷۳ سوره زخرف «لَكُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ مِنْهَا تَأْكُلُونَ» را چنین برگردانده است:

Ye shall have therein abundance of fruit from which ye shall have satisfaction^۳

و در توضیح آن می‌گوید: میوه و غذا مجازی و نماد امور دیگری است که در این میهمانی در سینی‌ها و جامهای زرین قرار می‌گیرد. وی می‌افزاید: ما جمله «منها تأکلون» را به صورت from which ye shall have satisfaction ترجمه کرده‌ایم؛ یعنی از آنها سیری و ارضای

1. Ibid, p. 1487.

2. Ibid, p. 1338.

3. Ibid, p. 1339.

تمایلات حاصل می‌شود. وی در توجیه اینکه چرا «تأکلون» را به have satisfaction ترجمه کرده و نه به معنای اصلی اش «to eat» می‌گوید: واژه «الاکل» در جاهای دیگر قرآن به معنای لذت بردن (enjoy) یا حصول راحتی و قضای حوایج have satisfaction به کار رفته، مانند آیه ۶۶ سوره مائده «لَأَكْلُوا مِنْ فَوَقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ» که در اینجا کلمه «اکل»: خوردن) معنایی فراگیرتر دارد که حصول رضایت و آرامش حسی، اجتماعی، فکری، اخلاقی و روحی است. اما «اکل» در آیه ۶۲ سوره مائده به معنای خوردن مال حرام نظیر ربا و مانند آن است که شامل غش در معاملات مالی نیز می‌شود. این در حالی است که در آیه ۶۶ این سوره به معنای حصول رضایت روحی در بهشت است. عبارت «من فوقهم» شامل حصول رضایت روحی در بهشت و «من تحتهم» شامل رضایت شایسته در دنیا است و می‌توان این جملات را مثالی عام مبنی بر رضایت و سعادت در همه امور دانست. به عبارت دیگر، واژه «اکل» در این آیه در معنای عام خود یعنی دستیابی به راحتی و سعادت به کار رفته است.^۱

یوسف علی در ترجمه واژه «تأکلون» به معنای مجازی در آیه ۷۳ سوره زحرف «لَكُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ مِنْهَا تَأْكُلُونَ» دچار اشتباه شده، چه آنکه در این آیه «اکل» در معنای حقیقی به کار رفته اما او بر خلاف ساده‌ترین قواعد بلاغت عمل کرده که می‌گوید نباید جز در زمان دشواری بازگرداندن کلمه به معنای اصلی اش، به مجاز و استعاره پناه برد و هنگام گذر از معنای اصلی به مجازی باید قرینه‌ای دال بر آن معنا موجود باشد. در این آیه باید لفظ را به معنای اصلی که همان خوردن حقیقی است بازگرداند؛ چرا که همراه با فاکهه (میوه) به کار رفته است. از این رو گذر لفظ از معنای اصلی و ظاهری بدون دلیل و قرینه، تحمیل معنایی نامربوط به متن است.

وی همچنین در ترجمه واژه «تأکلون» در آیه «پیشگفته» از سوره زحرف، به حصول رضایت و راحتی (have satisfaction) به خطا رفته است؛ چرا که در مراجعه به کتب مفردات قرآن می‌بینیم واژه «اکل» در قرآن کریم در چند معنای مجازی به کار رفته، ولی به معنای رسیدن به رضایت و راحتی نیست. از همین روست که غالب مترجمان فعل «تأکلون» در این آیه را به معنای اصلی خود یعنی خوردن (te eat) ترجمه کرده‌اند. به عنوان مثال:

1. Ibid, p. 264.

نگاهی به زندگی عبدالله یوسف علی و ترجمه او از قرآن کریم ۹۵ □

آرتور آربری^۱ آیه را چنین ترجمه کرده است:

Therein you have abundant fruits, whereof you may eat

هلالی و خان^۲ نیز در ترجمه خود آورده‌اند:

For you will be Therein fruits in plenty which you will eat as you desire

عبدالحق و عایشه بولی^۳ نیز آیه را این گونه برگردان کرده‌اند:

There will be many fruits in it for you to eat

کالین ترنر^۴، اروینگ^۵، محمد اسد^۶ و مارمادوک پیکتال^۷ و دیگران نیز همین راه را رفته‌اند.

در اینجا باید پرسید چگونه است که همه مترجمان اکل را به (eat) ترجمه کرده‌اند و عبدالله یوسف علی به تنهایی راهی جدا در پیش گرفته است.

۲- نوشیدنی‌ها

یوسف علی در سخن از نوشیدنیهای بهشت در سوره دهر، می‌گوید: «در این سوره نمادگرایی به شکل زیبایی در ذکر رودها، جام‌ها و نوشیدنیها وجود دارد... می‌دانیم که شراب در زبان عربی به معنای نوشیدنی مستی‌آور است اما در اصطلاحات صوفیان، شراب و جام نماد وصول به مرحله جذبۀ روحی است». وی در ادامه به کاربرد انواع شراب که نماد مراحل مختلف قرب الهی است، می‌پردازد. در نخستین درجه، پس از پایان رسیدگی به اعمال (حساب) اصحاب این درجه از منبع کافور صافی می‌نوشند. کافور نماد هر چیز سالم، مفید، خنک، شادی‌آور و آرامش‌بخش است که جملگی در بهشت به شکل نامحدود و نامتناهی

1. Arthur J. Arberry, *The Koran Interpreted* (Oxford: Oxford University Press, 1998), p. 511.

2. M. Hilali and M. Khan, p.978

3. Abdalhaqq and Aisha Bewley, *The Noble Quran, A New Rendering of its Meaning in English* (Norwich: Bookwork, 1999) P. 480.

4. Colin Turner, *The Qur'an, A New Interpretation*, with Textual Exegesis by 65 Mugammad Baqir Behbudi (Richmond: Surrey, 1997), P. 296.

5. T. B. Irving. *The Qur'an* (New Delhi: Goodword Books, 1991), p. 279. 66.

6. Muhammad Asad, *The Message of the Qur'an* (Gibraltar: Kar al-Andalus, 1980), 67 p. 757.

7. Marmaduk Pickthall, *The Glorious Qur'an* (Istanbul: Gargri Yayinlari, 1996), p. 68, 494. A Yusuf Ali, *The Holy Quran*, p. 1468.69.

وجود دارد. اما نور، حریر و سُرر (تختها) که در این سوره به کار رفته نماد چیزهایی است که روح صفا یافته از احساس شرافت و کرامت و تواضع به دست می‌آورد. نوشیدن از جام زنجبیل، لباسهای زیبا، سفره شاهانه آکنده از انواع غذاها جملگی نماد قرب الهی است که قابل وصف نیست. منبع تسنیم که جز مقربان از آن نمی‌نوشند و دیگران تحمل چشیدن آن را ندارند، نشان این است که تنها آنان توان درک تجلی عظمت الهی را دارند. مؤمنان نیز طعم این منبع را آمیخته با شراب بهشت می‌چشند و هر کدام به قدر جایگاه روحانی خود از آن لذت می‌برند. همه آنچه گذشت عقیده‌هایی نزد مسلمانان را شرح می‌دهد که در رسیدن به کمال انسانیت و احساس حضور در بهشت جاودان و همراهی با خداوند متعال متجلی می‌گردد.

چنان که گذشت، یوسف علی همه آنچه را که در قرآن کریم از نعمتهای حسی و مادی بهشت ذکر شده مجازی دانسته و چنین ترجمه و تفسیر کرده و معتقد است که لفظ حسی همواره معادلی معنوی دارد. در اینجا باید تأکید کرد که این روش در تفسیر قرآن، روشی است که با معیارهای زبانی و دینی همسویی ندارد؛ چرا که بازگرداندن الفاظ از معانی شناخته شده و مشخص به معانی جدید دیگر نیاز به دلیل دارد و در این موارد دلیلی وجود ندارد. در قرآن کریم و احادیث ذکر شده است که در بهشت نعمتهایی وجود دارد و مفسران از زمان نزول قرآن تا امروز آیات متعلق به نعمتهای بهشتی را تأویل حسی نموده‌اند اما روشی که یوسف علی در تفسیر این آیات به کار گرفته نص قرآن را بدون داشتن دلیل از معنای حقیقی خود خارج می‌سازد. این روش با ظاهر نصوص قرآن و سنت و نیز اجماع که تصریح بر معاد جسمانی و حسی و روحانی بودن نعمتهای بهشت دارد، در تعارض است. در آیه ۷۱ سوره زخرف در وصف بهشت می‌خوانیم: «فِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَ تَلَذُّ الْأَعْيُنُ» و همچنان که نعمتها حسی است، عذاب نیز حسی است؛ چنان که در آیه ۵۶ سوره نساء می‌فرماید: «كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ».

